

به نام خدا

تجربه تلخ اعتماد

روایتی درس آموز از اعتماد به اروپا

نویسنده و پژوهشگر: علیرضا فقیهی راد

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران

آبان ۹۷

مقدمه:

اتحادیه اروپا در ادوار مختلف تلاش کرده جایی میان ایران و آمریکا قرار بگیرد، جایی که هم از رفاقت با ایالات متحده، همراهی با آن و فشار بر ایران سود ببرد و هم از این فشار استفاده کند و به نوعی باب دوستی با ایران را باز کرده و یکی از بزرگ‌ترین بازارهای اقتصادی غرب آسیا را در دست بگیرد و علاوه بر آن بتواند همزمان از قدرت نفوذ ایران برای حفظ ثبات در منطقه به سود خود و جلوگیری از آشوب‌هایی بهره‌برداری کند که می‌تواند منافع منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اروپا را مخدوش کند.

در این راه در بسیاری از مواقع اروپا با آمریکا در مسیر فشار، تهدید و تحریم علیه ایران همراه شده و در برهه‌هایی هم بر سر میز مذاکره با ایران نشست است تا به نوعی از خود یک منجی بسازد. پروژه منجی‌سازی اتحادیه اروپا در جریان چالش ایران - آمریکا در مقطعی موافقانی هم در ایران داشته و باعث شده امیدهای زیادی از مردم به نتایج رایزنی‌های ایران - اروپا دوخته شود. اقتصاد و تجارت، هسته‌ای، حقوق بشر، سوریه، یمن و... از جمله موضوعاتی بوده که یک‌طرف میز مذاکره برای حل و فصل امور آن ایران نشست و سوی دیگر اتحادیه اروپا یا سه کشور معروف به تروئیکا؛ یعنی انگلیس فرانسه و آلمان.

در این روزها با عهدشکنی و رویکرد خصمانه آمریکا علیه ملت ایران و شکست الگوی اعتماد به کدخدا، غرب گرایان از مذاکره و اعتماد به اروپا می‌گویند، بازخوانی مذاکرات و تجربه های تلخ اعتماد به اروپا در دهه هشتاد توسط همین تیم مذاکره کننده عبرت آموز و ضروری به نظر می‌رسد.

از تنش زدایی تا فرار گرفتن در محور شرارت!

ماجرای آنجا از آغاز می شود که سید محمد خاتمی رئیس جمهور وقت سیاست تنش زدایی و تعامل با غرب را پیش می گیرد، فتوای امام راحل مبنی بر اعدام سلمان رشدی را پایان یافته می خواند، آبراهام لینکلن رئیس جمهور آمریکا را «شهید!» می خواند، بارها بر آب شدن یخ روابط و تعامل با آمریکا تاکید می کند، با حمله آمریکا به افغانستان، رسماً دولت ایران بعد از ۲۰ سال بر سر میز مذاکره با آمریکا حاضر می شود، در سطوح اطلاعاتی امنیتی با آمریکا وارد همکاری می شود، تا جائیکه رایان کراکر معاون دستیار وزیر امور خارجه وقت آمریکا و مسئول تیم مذاکره کننده آمریکایی در افغانستان، در کتاب خاطرات خود با اشاره به این مذاکرات می نویسد: «اما آنچه که برایم جالب تر از همه بود، اشتیاق آنان نسبت به اعزام نیروهای آمریکا، همان «شیطان بزرگ»، به حیاط خلوت ایران یعنی افغانستان بود.»

اما بعد از این همه تنش زدایی جورج بوش رئیس جمهور وقت آمریکا پاسخ دولت ایران را با گذاشتن نام جمهوری اسلامی ایران در محور شرارت می دهد. حسین موسویان از اعضای تیم مذاکره کننده زمان خاتمی در مصاحبه ای با المانتیور می گوید: «مذاکرات بین ایران و آمریکا حتی بعد از کنفرانس بن نیز ادامه پیدا کرد. اما ناگهان، به معنای واقع کلمه، بمبی منفجر شد. پرزیدنت بوش تنها چند هفته بعد از کنفرانس بن همه ما را با قرار دادن ایران در «محور شرارت»، طی سخنان سالیانه اش در ژانویه ۲۰۰۲، غرق حیرت کرد. بعد از یکی از جلسات شورای عالی امنیت ملی، قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس، با ابراز احساس ناگواری که نسبت به حرکت بوش، در پاسخ به کمک های پر ارزش ایران، به من گفت: «از همان آغاز من این شک را داشتم که تقاضای آمریکا برای کمک تنها جنبه تاکتیکی داشته و هدف آنها یک همکاری دراز مدت نیست.»

نامه جام زهر و خلع سلاح حزب الله؛ پاسخ آمریکا: پیشنهادتان گستاخانه بود

اما چندی بعد ۱۲۷ نماینده مجلس ششم طی نامه ای به رهبر معظم انقلاب با تحلیل فضای دیپلماتیک وقت از ایشان خواستند با نوشیدن "جام زهر" از طرف ملت ایران، قید دستیابی به انرژی هسته ای را بزنند: "اگر جام زهری باید نوشید قبل از آنکه کیان نظام و مهمتر از آن، استقلال و تمامیت ارضی کشور در مخاطره قرار گیرد باید نوشیده شود".

همزمان گروهک منافقین دست به کار می شوند و در هتل ویلارد واشنگتن سخنگوی گروه منافقین نتیجه جاسوسی های سازمان خود را با ارائه تصاویری از سایت نیروگاه های اتمی نطنز و اراک افشا می کند و سرآغازی برای به جریان افتادن پرونده هسته ای ایران می شود.

دستگاه دیپلماسی دولت در ادامه روند اعتمادسازی نامه محرمانه ای در سال ۲۰۰۳ از طریق سفارت سوئیس به مقامات آمریکایی می‌رساند، نامه ای ذلت بار که در آن دولت ایران متعهد شده بود که حزب الله لبنان را خلع سلاح کند، از گروههای مقاومت مانند حماس حمایت نکند، مرزهای ۱۹۶۷ فلسطین اشغالی را بپذیرد و نهایتاً و به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی! و در مقابل آمریکا متعهد بشود از تغییرات سیاسی در ایران حمایت نکند، برای بازگرداندن منافقین همکاری کند، به آداب و رسوم ایرانیان احترام بگذارد! و تحریم های تجاری را لغو کند.

محمدجواد ظریف در توصیف طرح مذکور می‌گوید: «مؤلفه‌های مهمی برای ایران در آن طرح وجود داشت، یعنی مؤلفه احترام متقابل. آمریکایی‌ها در پاسخ به طرحی که تلاش هوشمندانه جهت رفع تمام موارد نگرانی دوجانبه بود، آن را به سادگی نادیده گرفتند.»

پاسخ این نامه نیز درخور اهمیت است. لری ویلکینسون رئیس دفتر کالین پاول، وزیر خارجه وقت آمریکا می‌گوید: «تنها چیزی که من دیدم گزارشی بود از این که چنین نامه‌ای دریافت شده و پاسخی که از طریق مقام‌های سوئیسی برای ایران فرستاده شده است. پاسخی شبیه به این که چطور به خود اجازه می‌دهید چنین پیشنهاد «گستاخانه‌ای» بدهید.»

«دنيس راس» مشاور جورج بوش پدر و پسر، فرستاده ویژه کلینتون در مسائل خاورمیانه و مشاور خارجه باراک اوباما در مقاله‌ای در مجله نیوزویک با اشاره به این نامه می‌نویسد: «تاریخ نشان داده ایران در مقطعی در قبال فشار سیاسی بین‌المللی جواب دلخواه را داده است. برای مثال در سال ۲۰۰۳ پس از نابودی ارتش عراق توسط نیروهای آمریکایی، دولت وقت از طریق سفیر سوئیس در ایران پیامی به واشنگتن ارسال کرد تا با این کار نگرانی‌های آمریکا را درباره برنامه‌های تسلیحاتی تهران و حمایت ایران از حزب‌الله و حماس تا حدی تخفیف دهد. صادق خرازی، معاون وزیر امور خارجه دولت وقت که این پیام را تنظیم کرده بود، گفت بیم‌ها و هراسها آنها را مجبور کرد دست به این کار بزنند.»

شعور ترسیدن! پذیرش پروتکل الحاقی!!؛ قطعنامه علیه ایران!

در همین حین در حالی که آمریکا بعد از افغانستان، به عراق همسایه دیگر ایران حمله کرده است، و فشارهای روانی و تهدیدنمایی از آمریکا اوج می‌گیرد، همزمان فشارها بر صنعت صلح آمیزهسته ای ایران و پیوستن ایران به پروتکل الحاقی تشدید می‌شود.

۱۲ فروردین ۸۲ در اجلاس آپیک جان بولتون به صراحت می گوید: «پس از پایان مسئله عراق، برخورد با ایران و کره شمالی موضوعی ضروری است.»

عناصر غرب گرا در مجلس نیز زمینه را برای سازش و تسلیم بیشتر مهیا می کنند، ۲ اردیبهشت ۸۲ احمد شیرزاد عضو جبهه مشارکت و نماینده مجلس ششم می گوید: «برای ترسیدن شعور لازم است! بعضی ها ممکن است نترسند، چون شعور درک خطر را ندارند. شواهدی که در هفته های اخیر از تحلیل های بعضی از تحلیل گران دیدیم، نشان می دهد که پاره ای از آقایان، اصولا اطلاع دقیق و درستی از توان تسلیحاتی پیشرفته و سیطره اطلاعاتی آمریکا و دیگر کشورها و نقاط واقعی قوت و ضعف طرف مقابل ندارند.»

۱۵ خرداد ۸۲ بهزاد نبوی نماینده مجلس ششم هم با ایجاد ترس در افکار عمومی می گوید: «مسلم است که می ترسم! کیست که از یک آمریکایی تا بن دندان مسلح که در عراق خود را چنین نشان داد و هیچ احترامی برای استقلال دولت ها قایل نیست، نترسد! بله من می ترسم!»

۲۶ خرداد ۸۲ البرادعی رئیس وقت آژانس بین المللی انرژی اتمی در اجلاس وین می گوید: «ما خواهان امضا پروتکل الحاقی از جانب ایران هستیم.» در همین روز وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در اجلاس لوکزامبورگ از ایران می خواهند که پروتکل را امضا کند و ادامه همکاری های اتحادیه را مشروط به آن دانستند. سه روز بعد شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی طی بیانیه ای ضمن ضرورت حل و فصل ابهام ها، بر تصویب و اجرای پروتکل الحاقی توسط ایران تاکید می کند.

مجددا جریانات غرب گرا داخلی وارد میدان می شوند تا با تهدید نمایی بیرونی و فشار داخلی زمینه تصویب و اجرای پروتکل الحاقی را ایجاد کنند. ۱۶ تیرماه ۸۲ هرمیداس باوند صراحتا می گوید: «اتفاق آرا بین روسیه، آمریکا و اتحادیه اروپا در این زمینه بوجود آمده و راهی جز امضا پروتکل نیست!»

۲۲ تیرماه ۸۲ محمد رضا خاتمی نائب رییس مجلس ششم در مصاحبه با روزنامه الوطن چاپ عربستان می گوید: «من معتقدم هیچگونه مشکلی برای امضای پروتکل الحاقی وجود ندارد و پروتکل تعریف شده است و ما هیچ شرطی جز امضا نداریم.»

۲۵ مرداد ۸۲ بهزاد نبوی نماینده مجلس ششم هم از تصویب بدون قید و شرط پروتکل الحاقی می گوید: «باید پروتکل الحاقی را بدون قید و شرط امضا کنیم و از برخوردهای شعارگونه پرهیز نماییم.»

نهایتا با فشارهای بیرونی و تمایلات داخلی غرب گراها دولت جمهوری اسلامی ایران در ۳ شهریور ۸۲ طی یک نامه رسمی به البرادعی مذاکره جهت پیرامون پیوستن ایران به پروتکل الحاقی را اعلام می کند.

اما این سطح از تنش زدایی و عقب نشینی پاسخی جز قطعنامه شورای حکام علیه برنامه هسته ای ایران نداشت. شورای حکام سه هفته پس از اعلام آمادگی ایران برای پیوستن به پروتکل الحاقی طی قطعنامه ای خواستار "تصویب و اجرای پروتکل الحاقی" و "توقف کامل غنی سازی" توسط ایران شد.

در ادامه کماکان واکنش های انفعالی مقامات ایران ادامه پیدا می کند و کمال خرازی وزیر وقت امور خارجه در ۵ مهر ۸۲ می گوید: «ما در اصول مشکلی با پروتکل الحاقی نداریم. ما می خواهیم اطمینان پیدا کنیم که هدف از این اقدام صرفا افزایش اعتماد و از بین بردن تمامی شک و تردیدها نسبت به ماهیت صلح آمیز برنامه هسته ای ما خواهد بود.»

۱۱ مهر ۸۲ هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه نیز رسماً با تکرار همان مواضع انفعالی می گوید: «جمهوری اسلامی ایران از ماهها پیش و بطور قاطع اعلام کرده است که بطور جدی مایل به مذاکره و بررسی پروتکل الحاقی و رفع ابهامات است و در صورتیکه صلاح باشد، پروتکل الحاقی را خواهد پذیرفت.»

سعدآباد؛ تسلیم در برابر غرب؛ نقض عهد آژانس و اروپایی ها

نهایتاً همزمانی فشارهای بیرونی برای پذیرش پروتکل الحاقی و پالس های آشکار داخلی مبنی بر پذیرش بدون قید و شرط آن، توقف کامل برنامه هسته ای و ایجاد ترس کاذب در نتیجه حمله آمریکا به عراق، در ۲۹ مهر ۸۲ وزرای امور خارجه سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان وارد تهران می شوند و مذاکرات معروف به سعدآباد شروع می شود. تیم مذاکره کننده ایرانی در مذاکرات سعدآباد به ریاست حسن روحانی عبارت بودند از : سید حسین موسویان (معاون و سخنگو)؛ اعضا: محمدجواد ظریف، سیروس نصری، مجید تخت روانچی ، امیرحسین زمانی نیا، محمدرضا البرزی، علی اکبر صالحی، محمد سعیدی، علی ماجدی

هنوز مذاکرات آغاز نشده بود که پرچم سفید پیش از شروع مذاکره بالا می ورد؛ خاتمی رئیس جمهور وقت در مصاحبه ای اعلام می کند ما تعلیق را می پذیریم و نمایندگان مجلس ششم هم طرح سه فوریتی برای تصویب پروتکل الحاقی در مجلس آماده می کنند.

حسن روحانی در کتاب خاطرات خود بنام امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای در صفحات ۱۷۴ تا ۲۲ مذاکرات سعدآباد را اینگونه روایت می کند : «مذاکرات از ساعت ۹ صبح روز ۸۲/۷/۲۹ آغاز شد و تا ساعت دو بعدازظهر ادامه یافت. البته حدود ۲۰ دقیقه هم صبح به حال تعطیل درآمده بود. نکته ای که باعث بروز اختلاف بسیار شدید و حتی تعطیلی موقت جلسه شد، مساله تعلیق بود. گفتم قطعنامه می گوید: «all related activities» همه فعالیت های مرتبط با [غنی سازی] که ممکن است حتی این گونه تعبیر شود که اگر من صبح به سایت نطنز بروم و کارکنان را تشویق کنم، نقض قطعنامه تلقی شود. بنابراین نمی توانیم

به هیچ عنوان این عبارت را بپذیریم. به آنها گفتم با البرادعی هم در زمینه تعلیق صحبت کرده ام و او پذیرفته است تعلیق گازدهی نطنز کافی است. بحث ها کمی تند و جنجالی شد و سخنان با عصبانیت رد و بدل می شد. در این لحظه احساس کردم دستیابی به توافق بسیار سخت است؛ دیدم کار پیش نمی رود و ممکن است مذاکره به شکست بینجامد. در لحظاتی هم به این نتیجه رسیدم که مذاکرات به بن بست می رسد و قاعدتا باید طرح جایگزین (اعلام یکجانبه موارد از سوی ایران) را اجرا کنیم. خاتمی گفت نگذارید مذاکرات به شکست بینجامد.

تیم مذاکرات بسیار نگران بود و مرتب به من گوشزد می کرد شما که دارای اختیارات کافی هستید، چرا این همه سختگیری می کنید؟ وزیر امور خارجه آلمان بلند شد و گفت: «ما وقت تلف می کنیم، برویم فرودگاه و برگردیم.» ما هم بلند شدیم و جلسه موقتا تعطیل شد. کارشناسان ما از وضعیت پیش آمده نگران شدند و گفتند شکست مذاکرات، علاوه بر پیامدهای منفی سیاسی، ممکن است پیامدهای امنیتی نیز داشته باشد. شرایط سختی بود. پس از بحث و گفت و گوی کوتاهی با مسئولان و کارشناسان حاضر در جلسه، ابتدا تلفنی با رئیس جمهور صحبت کردم و مشکلات پیش آمده در مذاکرات و همچنین نظر کارشناسان و خودم را به ایشان انتقال دادم. در نهایت ایشان گفتند هر طور مصلحت می دانید عمل کنید، ولی نگذارید مذاکرات به شکست بینجامد.»

روحانی همچنین در صفحه ۱۷۸ کتاب خاطراتش نقل می کند: «قبل از توافق سعدآباد در ملاقات حضوری با مقام معظم رهبری جزئیات را مطرح کردیم. معظم له در این ملاقات با تعلیق در حد گازدهی نطنز موافقت کردند... در جلسه با وزرای اروپایی گفتم که در مقام عمل تعلیق تنها در حد تعلیق گازدهی در نطنز خواهد بود، گرچه عبارت بیانیه کمی متفاوت بود.»

ایران در سعدآباد تعلیق را پذیرفت اما قرار شد این آژانس بین المللی انرژی اتمی باشد که این توافق را تفسیر می کند. به عبارتی تفسیر آژانس از «تعلیق» مبنای اقدامات ایران شود. روحانی در ادامه در صفحات ۱۸۶ و ۱۸۷ کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای به روایت تخلف البرادعی از وعده‌اش به ایران می‌پردازد و می‌نویسد: «در مذاکرات تهران (سعدآباد) تعلیق را در حد مجوزی که از سران نظام داشتیم و در چارچوب توافق با البرادعی قبول کردیم و لذا در بیانیه نوشته شد: «در چارچوب تفسیر آژانس» البته البرادعی بعدا تحت فشار اروپا تخلف کرد و آژانس هم با تفسیر جدیدی علاوه بر نطنز، قطعه‌سازی و مونتاژ را هم جزء موارد تعلیق اعلام کرد... خطاب به البرادعی اضافه کردم که شما در تهران به من گفتید معنای تعلیق در حد گازدهی است. چرا تخلف کردید؟ گفت نظر من همان است که در تهران گفتم ولی این تفسیر گروه فنی ما است!

البرادعی گفت ما معنای تعلیق در بیانیه را در آژانس این گونه تفسیر کردیم که در نطنز علاوه بر تعلیق گازدهی، ساخت و مونتاژ سانتریفیوژها هم تعلیق شود. من به تندی به او پاسخ دادم که شما در تهران به من قول دادید که تعلیق، تنها تعلیق گازدهی است و ما هم طبق نظر شما عمل کردیم. البرادعی گفت: اولاً من تنها نیستم، کارشناسانی هم در آژانس هستند که نظر آنها چنین است. ثانیاً تعلیق شما برای اعتمادسازی است بنابراین اگر سخت گیری کنید به هدف خود لطمه زده اید. اصولاً شما برای چه می خواهید قطه بسازید وقتی که غنی سازی تعلیق می شود؟ این فعالیت را هم کنار بگذارید و همه را مطمئن کنید! این به نفع شماست.»

روحانی در صفحه‌های ۲۲۳ و ۲۲۴ صراحتاً از خدعه البرادعی و سه کشور اروپایی گلایه می کند: «به آنها (وزرای سه کشور) گفتم ما در مذاکرات تهران با هم توافق کردیم که بر مبنای تعریفی که مدیرکل آژانس از تعلیق داشته است اقدام کنیم ولی شما برخلاف تعهدتان به البرادعی نامه نوشته و به او فشار آورده و گفته‌اید که تعلیق را به صورت وسیع‌تری تعریف کند. البرادعی به من گفت که سه کشور برای من نامه فرستاده و گفته‌اند تعلیق، این چنین تفسیر شود. قرار ما این بود که با صداقت با هم رفتار کنیم!»

حسین موسویان از اعضای تیم مذاکره کننده ایران نیز درباره این موضوع توضیح جالبی درباره روند پذیرش تعلیق از سوی تیم مذاکره کننده ایرانی و اعتماد روحانی به وعده البرادعی می دهد. موسویان می گوید: «آقای روحانی توی ملاقات خصوصی از آقای البرادعی سؤال کرد: این تعلیقی که شما می گوئید، یعنی چی؟ آقای البرادعی به آقای روحانی گفت فقط مواد به سانتریفیوژها وارد نشود، یعنی تعلیق». ایران تعلیق را پذیرفت. اما البرادعی تفسیری غیر از آنچه به روحانی گفته بود از تعلیق ارائه کرد. قطعه، مونتاژ، تولید سانتریفیوژ، حتی ساخت و ساز، تحقیقات، اصفهان و... ذیل تفسیر البرادعی قرار گرفت. خاتمی هم بعدها به این اقدام البرادعی اعتراض کرد و گفت کار البرادعی «خلاف اخلاق» بود.

فیشر بعدها در کتاب خاطرات خود مذاکرات سعدآباد را اینگونه روایت کرد: «در گفت‌وگوهای اولیه و مقدماتی ما ۳ وزیر خارجه کشورهای اروپایی و نماینده ایران، همواره تاکید می کردیم که بدون توقف فعالیت‌های اتمی ایران، توافقی بین ما حاصل نخواهد شد. ایرانی‌ها حاضر به تعلیق فعالیت نبودند. گفت‌وگوهای ما به نقطه‌ای رسید که ما به ایرانی‌ها گفتیم بدون قبول توقف فعالیت‌های اتمی راه حل مناسبی حاصل نخواهد شد و ما بدون معطلی خواهان رفتن به فرودگاه و بازگشت به کشورهای خود هستیم. این گفته‌های ما منجر به قطع جلسه شد. ایرانی‌ها با دست‌پاچگی شروع به تلفن زدن کردند و بالاخره در این باره هم به توافق رسیدیم.»

ماحصل مذاکرات سعدآباد، صدور توافقنامه مشترک میان تروئیکای اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) و ایران با محتوای کم‌سابقه‌ای بود؛ توافقنامه‌ای که روحانی در جایگاه دبیر شورای عالی امنیت ملی هنگام قرائتش در حضور خبرنگاران مجبور شد بارها توقف کند تا صدای شعارهای اعتراضی انبوه دانشجویان از خارج از محوطه کاخ، مزاحم اطلاع‌رسانی وی نشود. دانشجویانی که نسبت به روند عقب نشینی و سازش در برابر غرب معترض بودند.

ایران به منظور نشان دادن حسن نیت خود آمادگی اش را برای "پذیرش دواطلبانه پروتکل الحاقی" و "تعلیق موقت غنی سازی" اعلام نمود. سه کشور اروپایی نیز ضمن استقبال از تصمیمات دولت ایران حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای برابر با NPT را به رسمیت شناختند و مخالفت با مخدوش شدن عزت و استقلال و امنیت ملی ایران از طریق پذیرش پروتکل الحاقی، همچنین پس از اطمینان آژانس انرژی اتمی از صلح آمیز بودن فعالیت های هسته‌ای جمهوری اسلامی کمک های تکنولوژیک خود را برای ارتقای فناوری هسته‌ای در اختیار ایران قرار دهند.

نکته قابل ذکر در توافق سعد آباد این است که «سه کشور اروپایی همه درخواست‌های خود از ایران طبق توافق سعدآباد را به قطعنامه شورای حکام تبدیل نمودند، اما تعهدهای خود در این سند هرچند بی‌اهمیت را در قطعنامه درج نکردند، لذا عملاً تعهدهای دوجانبه ایران به تعهدهای بین‌المللی تبدیل شد.»

حسن روحانی در صفحه ۱۶۵ کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای با اشاره به مذاکرات سعدآباد تهران در سال ۸۲ می نویسد: «در مذاکره با البرادعی گفتم که پس از قطعنامه سپتامبر، شما از ما ۲۴ درخواست کرده اید که یکی از آنها بازدید از یک منطقه نظامی است، این امر بسیار پیچیده و دردسرساز است معهدا تلاش شده است که تنها یک بار این مرکز (سایت کلاهدوز) را بازدید کنید.»

بعدها حسن روحانی در مرداد ماه ۱۳۸۴ که روزهای پایانی مأموریت خود در سمت دبیری شورای عالی امنیت ملی را می گذارند طی نامه ای تاریخی خطاب به محمد البرادعی دبیر کل سابق سازمان انرژی اتمی نتایج خسرات بار مذاکرات سعدآباد را اینگونه تشریح می کند: «متأسفانه، در مقابل اگر نگوییم هیچ، ایران مابه‌ازای بسیار اندکی دریافت کرد و بارها اقدامات اعتمادساز خود را افزایش داد و تنها در عوض آن، با قول‌های انجام‌نشده و درخواست‌های بیشتر روبه‌رو شد. قول‌های اکتبر ۲۰۰۳ [مهر ۱۳۸۲] سه کشور اروپایی درباره همکاری هسته‌ای، امنیت منطقه‌ای و منع گسترش، هنوز حتی بررسی هم نشده‌اند.»

ماجرا اما قرار نبود به اینجا ختم شود. به طوری که سفیر آلمان ۴ سال بعد در برنامه گفتگوی ویژه خبری پرده از هدف نهایی کشورهای مذکور از توافقنامه سعدآباد برداشت و گفت: «من نمی خواهم شمار را فریب بدهم! ما خواستار تعلیق همیشگی فعالیت های هسته ای ایران هستیم!»

تیم مذاکره کننده ایرانی برای جبران مافات و برای این که نشان دهد می تواند از اروپاییان امتیاز تجاری بگیرد، محمدجواد ظریف را نزد مدیر آژانس می فرستند. در این دیدار ظریف برای جلوگیری شکست جناح سیاسی اش در انتخاباتی پیش رو، متوسل به خارجی ها می شود و به البرادعی می گوید: «بسیاری از کاندیداها از شکست مذاکرات ما سود می برند، آنها موفقیت جذابی در این گفت وگوها نمی دیدند. از سویی آنها آدم های پرنفوذی هم بودند. هم برای اروپایی ها و هم مذاکره کنندگان اعتبار ایران از دست رفته بود. این تنها مشکل اعتماد به آنها نبود، این مشکل اعتماد به جبهه ما هم بود، اعتماد به نوع اعتبار ما در خانه.»

اما بعد از عبور از خطوط قرمز نظام در مسئله تعلیق غنی سازی، پذیرش اجرای پروتکل الحاقی قبل از تصویب مجلس و امتیاز دادن های نقد در برابر هیچگونه امتیازی، از طرف مقابل آمریکایی ها اینگونه واکنش نشان دادند. در آن مقطع «آدام ارلی» معاون وقت سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با اشاره به توافق سعدآباد گفته بود: «وادار کردن ایران به انجام چنین کاری نتیجه یک تلاش چندجانبه بود که ما خواهان آن بودیم و به طور کامل در آن شرکت داشتیم. وزیران امور خارجه سه کشور اروپایی در مذاکرات خود در تهران هیچ امتیازی به ایران ندادند.»

۱ آبان ۸۲ نیز روزنامه واشنگتن پست در گزارش خود نوشت: «به گفته یک مقام عالی رتبه آمریکا، دولت آمریکا قصد دارد ایران را به منظور همکاری با ضرب الاجل ۳۱ اکتبر برای فاش ساختن فعالیت های هسته ای گذشته خود تحت فشار بگذارد. این درحالی است که روزبه روز بدبینی آمریکا نسبت به توافق این هفته ایران برای توقف غنی سازی اورانیوم شدت می گیرد. به نوشته این روزنامه با وجود اینکه مقامات ایران روز سه شنبه با فرانسه، انگلیس و آلمان به توافق رسیدند اما ایالات متحده و مقامات سازمان ملل خواهان مدارک جدیدی هستند مبنی بر اینکه چگونه و چرا یک ملت غنی از نفت به کارخانه های انرژی اتمی در غرب و جنوب تهران روی آورده است. این روزنامه در ادامه می نویسد دولت بوش ادعا می کند ایران به طور مخفیانه تلاش دارد به سلاح های اتمی دست پیدا کند.»

به گزارش این روزنامه یک مقام آمریکایی اعلام کرد: «آمریکا به فشار خود علیه ایران ادامه خواهد داد و هیچ چیز این حقیقت را که ایران باید تا ۳۱ اکتبر توضیحات موردنیاز را ارائه دهد، تغییر نمی دهد. این روزنامه عکس العمل مقامات کاخ سفید نسبت به توافقنامه تهران را مثبت و تا حدودی محافظه کارانه دانست . اگرچه بوش اقدام اروپا را یک رویکرد مثبت عنوان کرد اما درحقیقت مقامات دولت آمریکا نسبت به این

مساله که در توافقنامه به اینکه ایران برای توقف غنی سازی اورانیوم چقدر فرصت دارد، اشاره ای نشده، بدبینند.»

شروع اجرای پروتکل الحاقی پیش از تصویب در مجلس؛ دومین قطعنامه علیه ایران!

ماجرا ادامه پیدا می کند و در ۱۸ آبان ۸۲ علی اکبر صالحی نماینده ایران در آژانس بین المللی انرژی اتمی از اجرای سریع پروتکل الحاقی قبل از تصویب مجلس می گوید: «ما اعلام کردیم که بندهای پروتکل الحاقی را پیش از تصویب آن توسط مجلس به طور موقت عمل خواهیم کرد تا اینکه روند تصویب موافقت با این پروتکل در مجلس طی شود.»

نهایتا در ادامه روند تعامل و اعتماد سازی های بی حد و حصر در ۱۹ آبان ۸۲ دولت جمهوری اسلامی ایران بطور رسمی طی نامه ای به آژانس پذیرش داوطلبانه پروتکل الحاقی و تعلیق فعالیت های صلح آمیز هسته ای را اعلام نمود. دقیقا در همان روز و به رغم اقدامات داوطلبانه ایران پس از توافق سعدآباد و همکاری گسترده با آژانس بین المللی انرژی اتمی، محمد البرادعی مدیرکل وقت آژانس بین المللی انرژی اتمی در گزارش ۳۰ صفحه ای به اعضای شورای حکام اعلام می کند: «ایران تاکنون در حال غنی سازی اورانیوم مخصوص "سلاح های اتمی" بوده است.»

چند روز بعد و در برهه ای که با گزارش مغرضانه آژانس مجددا جمهوری اسلامی ایران متهم به ساخت سلاح های هسته ای شده بود در ۳ آذر ۸۲ احمد شیرزاد نماینده مجلس ششم و عضو حزب مشارکت در نطقی همسو با آمریکا، ایران را به دروغگویی و فریب، ارتباط با گروه های تروریستی و فعالیت های اتمی متهم کرد. این اظهارات موجب ایجاد جو عظیمی در فضای بین المللی علیه ایران شد.

دو روز در ۵ آذر ۸۲ دومین قطعنامه شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی نیز علیه برنامه هسته ای ایران صادر می شود و در آن ضمن استقبال از بیانیه تهران، بر پذیرش و تصویب پروتکل الحاقی و توقف کامل غنی سازی تاکید می شود.

روحانی در شرح این قطعنامه در صفحه ۲۲۸ کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای می نویسد: «قطعنامه صادره ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳ (۵ آذر ۸۲) قطعنامه ای کاملا مطلوب ارزیابی نمی شد؛ چون در آن به نحوی قطعنامه سپتامبر با ذکر دوباره جزئیات، مورد تایید قرار گرفته و بر تخطی طولانی مدت ایران از تعهدات خود تاکید شده بود. به علاوه، در بند ۲ اجرایی، از قصورها و تخلفات گذشته در انجام تعهدات نسبت به پایبندی به شروط پادمان، به شدت ابراز تاسف شده و از ایران خواسته شده بود نسبت به تعهدات خود طبق مفاد پادمان، پایبند بماند.»

تمامی این نقض عهدها موجب نمی شود که دولت وقت مسیر تنش زدایی و سازش خود را تغییر دهد و در ۸۲/۹/۲۷ علی اکبر صالحی به نمایندگی از ایران و قبل از تصویب در مجلس شورای اسلامی اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی را امضا می کند.

نیمه بهمن ماه ۸۲ جلسه اتحادیه اروپاست و حسن روحانی در ۲۷ دی ماه ۸۲ به فرانسه سفر می کند تا بتواند نظر مساعد و مثبت اروپایی ها را بدست آورد. اما دو بلین وزیر وقت امور خارجه فرانسه در کنفرانس خبری اینگونه پاسخ می دهد: «فرانسه خواهان برقراری انتخابات آزاد است و در ضمن زندانیان سیاسی باید آزاد شوند.»

توافق بروکسل؛ تعهدات یکطرفه ایران؛ سومین قطعنامه علیه ایران!

دستگاه دیپلماسی دولت برای حل و فصل موارد مبهم و باقی مانده به بروکسل سفر می کند تا مذاکرات با سه کشور اروپایی ادامه پیدا کند. در حالیکه در توافق سعدآباد تیم مذاکره کننده جهت اعتمادسازی در آن حد عقب نشینی کرد و امتیازی هم کسب نکرد، نتایج توافق بروکسل نیز اینگونه شد:

تعهدات ایران: استمرار تعهدات ناشی از موافقت نامه سعدآباد، تعلیق مونتاژ سانتریفیوژها، تعلیق آزمایش سانتریفیوژها، تعلیق ساخت داخلی قطعات سانتریفیوژها، تعلیق فعالیت های غنی سازی در همه تاسیسات موجود در ایران و تعهدات سه کشور اروپایی نیز به این قرار شد: تلاش سه کشور برای شناسایی تلاش های ایران در جلسه آتی شورای حکام (ژوئن ۲۰۰۴)، تلاش سه کشور برای اینکه مدیرکل آژانس در گزارش خود به شورای حکام اگر صلاح بداند مطابق شیوه معمول و توافق نامه و پادمان پروتکل الحاقی عمل نماید، انجام تعهدات ایران راه را برای گفتگو با ایران با هدف رسیدن به توافق درباره تضمین های بلند مدت مربوط به تولید برق هسته ای ایران هموار خواهد کرد.

حسن روحانی در صفحه ۲۴۰ کتاب خود چگونگی پذیرش تفسیر آژانس از تعلیق را در مذاکرات بروکسل شرح می دهد: «پیشتر وزرای اروپایی در اجلاس بروکسل اصرار داشتند که ساخت قطعه و مونتاژ هم تعلیق شود که به آنها پاسخ منفی داده بودم اما به دلیل حوادثی که رخ داده بود، برای اینکه بتوانیم از مشکلات پیش آمده عبور کنیم و اروپایی ها را به موضع قبلی خود برگردانیم و در نتیجه در اجلاس مارس ۲۰۰۴ قطعنامه تندی علیه ما صادر نشود و هم چنین البرادعی را هم متقاعد کنیم که گزارش نامناسبی ارائه ندهد، شاید تنها راه حل برای کنترل شرایط پیش آمده همکاری بیشتر با آژانس در زمینه تعلیق بود. لذا قرار شد تفسیر آژانس از تعلیق موارد مرتبط با غنی سازی را که شامل ساخت قطعه و مونتاژ هم می شد بپذیریم.»

در ادامه حسن روحانی در صفحه ۲۶۰ و ۲۶۱ کتاب «امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای» راجع به موزانه تعهدات و ابهام آنها می نویسد: «یکی از مسئولین راجع به توافق بروکسل می گفت شما تعهد روشنی از طرف ایران داده اید اما تعهد اروپا مبهم است. آنها می گویند "ما تلاش می کنیم" ولی شما (ایران) "همکاری کامل داشته باشید"، "موضوع جدیدی کشف نشود" و "تعلیق را نشکنید"، همه اینها را شرط قرار می دهند و می خواهند همه شروط عملی شود ولی آنها می گویند "ما تلاش می کنیم" تا پرونده بسته شود. گویی این افراد به این نکته توجه نداشتند که مذاکرات ما با آژانس یا با اروپا، از موضع دو طرف با شرایط مساوی نبود تا تعهداتی یکسان به وجود آورد(!) توضیح من این بود که سه کشور اروپایی نمی توانند از طرف ۳۵ کشور به ما قول قطعی بدهند. آنها می توانند بگویند "ما تلاش می کنیم" غیر از این عبارت نمی توانند عبارت دیگری به کار ببرند.»

در حالیکه این سطح از تعهدات یک طرفه ایران بی سابقه بود ، واکنش آژانس بین المللی انرژی اتمی در خور تامل است. در ۲۳ اسفند ۸۲ سومین قطعنامه شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی نیز علیه فعالیت های صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران صادر می شود. و در آن ضمن نگرانی از فعالیت های هسته ای ایران ، درخواست ارائه فوری اطلاعات مفصل و صحیح درباره ی تمامی جنبه های فعالیت های هسته ای حال و آینده را می کند.

سه روز بعد در ۲۶ اسفند ۸۲ ریچارد بوچر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا می گوید : «آنچه مسلم است اطلاعاتی که به دست ما رسیده و ما مطمئن هستیم که مقامات ایران به دنبال سلاح اتمی هستند.»

حسن روحانی هم در ۲۸ اسفند ۸۲ در واکنش به این قطعنامه علیه برنامه هسته ای ایران می گوید: «متن قطعنامه به تصویب رسیده مورد رضایت ایران نیست و از دیدگاه ما قطعنامه بصورت منصفانه تنظیم نشده است. این قطعنامه با اینکه تعهد جدیدی را برای ایران ایجاد نکرد، اما لحن آن مناسب نیست و شبیه به یک دیو بدقیافه با شاخ های خطرناک و دندان های تیز است.»

شروع تعلیق توسط ایران؛ ادامه تهدید و قطعنامه توسط غربی ها

علی رغم صدور سومین قطعنامه شورای حکام علیه ایران و زیاده خواهی های طرف های غربی و بدون دریافت کمترین امتیازی توسط دولت ایران در ۲۰ فروردین ۸۳ دولت وقت رسماً تعلیق دواطلبانه غنی سازی اورانیوم و ساخت و مونتاژ سانتریفیوژها براساس توافق بروکسل را آغاز می کند.

با این وجود تهدیدها و اظهارات سلطه جویانه آمریکایی ها تمامی ندارد و در ۱۰ اردیبهشت ۸۳ جان بولتون معاون وزیر امور خارجه آمریکا می گوید: «ایران در مورد برنامه های اتمی خود و صلح جویانه بودن آنها حقیقت را بیان نمی کند و هدف ایران ساخت تسلیحات اتمی است. اگر به ایران اجازه داده شود تا بیش از این جلو برود، برای متوقف کردن آن خیلی دیر می شود و ایران به سلاح هسته ای دست می یابد.» ۸ روز بعد هم در ۱۸ اردیبهشت ۸۳ مجلس نمایندگان آمریکا علیه برنامه های اتمی ایران قطعنامه ای صادر می کند.

اما مجددا دولت وقت ایران جهت اعتمادسازی یکجانبه در اول خرداد ۸۳ اظهارنامه مفصل ۱۰۳۰ صفحه ای درباره فعالیت های هسته ای ایران (تبیین مشروح برنامه های هسته ای ایران طی ۱۰ سال آینده) به آژانس ارائه می دهد.

این سطح بی سابقه از شفافیت، همکاری و امتیاز دادن دولت جمهوری اسلامی ایران مجددا با صدور چهارمین قطعنامه شورای حکام علیه برنامه هسته ای ایران در ۲۹ خرداد ۸۳ پاسخ می گیرد. در این قطعنامه ضمن ابراز نگرانی مجدد در خصوص ناقص بودن برخی اطلاعات ارائه شده، علی رغم توافق نامه ی بروکسل تعهد کشورهای اروپایی برای عادی سازی پرونده هسته ای ایران نیز اجرایی نمی شود.

فک پلمپ سانتریفیوژها و پنجمین قطعنامه شورای حکام!

نهایتا با فرمایشات صریح رهبر معظم انقلاب مبنی بر جلوگیری از عقب نشینی های مکرر و فشار مجلس هفتم در ۷ تیر ۸۳ حسن روحانی در مصاحبه مطبوعاتی آغاز فعالیت های قطعه سازی و مونتاژ دستگاه های سانتریفیوژ از نهم تیرماه را اعلام می کند. و در ۶ مرداد ۸۳ نیز دولت وقت در واکنش به نقض عهد کشورهای اروپایی در حالیکه هیچکدام از تعهدات خود را انجام نداده بودند و جمهوری اسلامی همه تعهدات خود را یکطرفه عملی کرده بود، پلمپ آژانس روی سانتریفیوژها را فک و تولید سانتریفیوژ را در نطنز آغاز کرد. تعلیق داوطلبانه تولید سانتریفیوژ ۴ ماه و نیم قبل و در راستای اعتمادسازی از سوی ایران صورت گرفته بود. چند روز بعد ایران اذعان کرد تولید قطعات سانتریفیوژ را که برای غنی سازی اورانیوم است از سر گرفته ولی تاکید کرد فعالیت های غنی سازی را از سرنگرفته است. در همین حین تیم مذاکره کننده مشغول رایزنی و مذاکرات با طرف های اروپایی بود که شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی پنجمین قطعنامه را علیه ایران در ۲۸ شهریور ۸۳ صادر کرد. دو روز بعد هم در ۳۰ مهر ۸۳ سه کشور اروپایی به ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت در صورتیکه فعالیت های مربوط به غنی سازی را متوقف نکنند، تهدید می کنند.

مجلس هفتم شورای اسلامی هم در واکنش به زیاده خواهی های اروپایی ها در ۱۰ آبان ۸۳ طرحی را تصویب کرد و خواستار از سرگیری غنی سازی اورانیوم از سوی دولت شد.

توافق پاریس؛ تعهدات بی سابقه ایران، نقض عهدهای مکرر اروپایی ها

رهبر معظم انقلاب مجددا نسبت به تعلیق کامل صنعت هسته ای و امتیازهای پی در پی هشدار می دهند اما تیم مذاکره کننده با طرح پیشنهادی خود به سه کشور اروپایی و برای اعتماد سازی بیشتر، تعهدات بیشتری را می پذیرد که در ۲۵ آبان ۸۳ منجر به توافق نامه پاریس می شود.

حسن روحانی در کتاب حسن روحانی، امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای در صفحه ۲۹۱ پیشنهاد ایران را اینگونه روایت می کند: «به عنوان یک اقدام دیگر برای اعتمادسازی، ایران داوطلبانه کلیه فعالیت های مرتبط با غنی سازی و بازآوری را که برای دوره مذاکرات ادامه خواهد داشت، به اجرا در می آورد...تعلیق جامع خواهد بود.»

تعهدات ایران در توافق نامه پاریس: استمرار تعهدات ناشی از موافقت نامه سعد آباد، ادامه اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی تا تصویب آن، ادامه تعلیق فعالیت های غنی سازی تا حصول موافقت نامه ترتیبات درازمدت میان دو طرف ، گسترش تعلیق به تمامی فعالیت های مرتبط با غنی سازی و بازآوری از جمله: ساخت و واردات سانتریفیوژهای گازی و قطعات آن ، مونتاژ، نصب، آزمایش و کارکردن سانتریفیوژهای گازی، جداسازی پلوتونیوم ، ساخت یا اجرای تأسیسات جداسازی پلوتونیوم ، آزمایش یا تولید هر نوع تأسیسات تبدیل اورانیوم. تعلیق مادامی که مذاکرات برای یک توافق مورد قبول دو طرف درباره ترتیبات درازمدت پیش می رود، ادامه خواهد داشت .تعلیق کلیه فعالیت های تبدیل اورانیوم یو سی اف اصفهان (تعلیق کلیه فعالیت های مرتبط با غنی سازی)

تعهدات سه کشور اروپایی:

حمایت از مدیر کل برای اینکه چنانچه مقتضی بداند در چارچوب توافقنامه پادمان و پروتکل الحاقی به شورای حکام گزارش دهد .حمایت از مدیرکل برای دعوت از ایران برای پیوستن به (شرکت در جلسه) گروه کارشناسی رهیافت های چند جانبه چرخه سوخت هسته ای (حذف غنی سازی) . حمایت از از سرگیری مذاکرات درباره موافقت نامه تجارت و همکاری با اتحادیه اروپا در صورت راستی آزمایشی تعلیق. حمایت از آغاز مذاکرات الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی

تحقیر تیم مذاکره کننده ایرانی از مستراح!

جک استراو وزیر وقت امور خارجه انگلیس در مستند «ایران و غرب» ساخته بی‌بی‌سی با اشاره به فضای پس از توافق پاریس می‌گوید: «پس از انجام مذاکرات و امضای توافق پاریس، که طی آن ایران پذیرفت همه فعالیت‌های غنی‌سازی را تعلیق کند، در بازگشت به انگلستان، برای گذراندن تعطیلات آخر هفته با قطار عازم شهر محل زندگی خود بودم. بین راه تلفن همراهم زنگ زد. آن سوی خط دکتر کمال خرازی، وزیر خارجه ایران بود. او گفت: «ما می‌خواهیم ۲۰ سانتریفیوژ را برای تحقیقات علمی فعال نگه داریم.» من دیدم در حضور همراهانم در قطار نمی‌توانم در خصوص یک پرونده حساس بین‌المللی مذاکره کنم، لذا به مستراح قطار رفتم. آنجا به خرازی گفتم: شما توافقنامه را امضا کرده‌اید و دیگر نمی‌شود زیرش بزینید. اما او باز اصرار کرد. من گفتم: باید در این خصوص با دیگران صحبت کنم... در همان حال کسی هم به در مستراح می‌زد و ظاهراً عجله داشت تا از آن برای کاری غیر از مذاکره اتمی استفاده کند...»

جک استراو در ادامه تعریف می‌کند که همان‌جا با «جان سائرز» مدیرکل سیاسی پیشین و مسئول پرونده هسته‌ای ایران در وزارت امور خارجه انگلستان تماس می‌گیرد. «سائرز» هم پس از مشورت با «کارشناسان» دیگر به «استراو» پاسخ می‌دهد که ایرانی‌ها با همین ۲۰ سانتریفیوژ پس از چند سال می‌توانند به اندازه مورد نیاز برای یک بمب اتم اورانیوم غنی کنند! در نتیجه «جک استراو» هم در تماس مجدد با خرازی به‌طور قطعی به درخواست او پاسخ منفی می‌دهد.

پیشنهاد اروپایی‌ها به روایت روحانی؛ دستورالعمل استعماری کاپیتولاسیونی

حسن روحانی در صفحه ۳۷۶ این کتاب با اشاره به بدعهدی و پیمان شکنی اروپایی‌ها بعد از سه توافق سعدآباد، بروکسل و پاریس می‌نویسد: «در حوزه اقتصادی هم کار به این دلیل پیش نمی‌رفت که ما می‌گفتیم تحریم‌ها باید شکسته شود اما آنها می‌گفتند اینها مراحل دارد و در کوتاه مدت نمی‌توان به نتیجه رسید. ما دیدیم که گویی می‌خواهند بحث را چند سال ادامه دهند. در ضمن اروپایی‌ها می‌گفتند بر فرض که این تحریم‌ها را برداریم، شما باید مشکلاتان را با آمریکا نیز حل کنید. برای اینکه در شرایط تحریم آمریکا، شرکت‌های ما با شما کار نمی‌کنند. پیشنهادهای اقتصادی آنها هم در حد دادن وام و خرید گاز از ایران و یا ادامه مذاکرات در خصوص موافقتنامه تجارت و همکاری بود.»

حسن روحانی در صفحات ۵۹۶، ۵۹۷ و ۵۹۸ کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای ضمن اشاره به توافق پاریس، در نهایت به شکست این مذاکرات اشاره کرده و تأکید می‌کند بعد از نزدیک به دو سال مذاکرات ایران و سه کشور اروپایی، آنها قصد به نتیجه رسیدن و حل کردن پرونده هسته‌ای ایران را نداشتند و با

ارائه یک بسته پیشنهادی تحقیر آمیز به ایران، باعث شدند تا ایران نیز در نامه ای متقابلاً پاسخ تندی به آنها بدهد. آقای روحانی پس از تشریح جزئیات پیشنهادات تحقیرآمیز اروپایی ها به ایران، می نویسد: «در مجموع پیشنهاد مذکور در زمینه تقاضاها از ایران بسیار طولانی اما در مورد پیشنهادهای ارائه شده به ایران به طور مضحکی کوتاه و نارسا می باشد. فقدان هر گونه تلاش برای ایجاد ظاهری متوازن، این پیشنهاد را به دستور استعماری کاپیتولاسیون شبیه می سازد. پیشنهاد یاد شده توهینی به تمام ملت ایران است که سه کشور اروپایی باید به خاطر آن از ملت ایران پوزش بطلبند.»

ششمین قطعنامه علیه ایران و درخواست به رسمیت شناختن اسرائیل!

با اینکه دستگاه دیپلماسی بی سابقه ترین و عجیب ترین امتیازها را در توافق نامه پاریس واگذار می کند، تعلیق کامل را می پذیرد و امتیاز و تضمینی عینی هم دریافت نمی کند کمتر از یکماه بعد در ۹ آذر ۸۳ ششمین قطعنامه شورای حکام آژانس علیه برنامه هسته ای ایران صادر می شود و بصورت عجیب و گستاخانه ای بر ضرورت اقدامات اعتمادساز از سوی ایران تاکید می کند!!!

حسن روحانی ۷ اسفند ۸۳ جهت حل و فصل موضوعات به آلمان سفر می کند، وی در صفحه ۴۲۲ کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای با اشاره به دیدارش با آنگلا مرکل رییس وقت حزب دموکرات مسیحی آلمان می نویسد که مرکل خطاب به وی تاکید می کند ایران باید اعتمادسازی کند و این اعتمادسازی جز با به رسمیت شناختن موجودیت اسرائیل محقق نمی شود: «اعتمادسازی بسیار مهم است. ایران فعالیت شدیدی در زمینه تولید موشک های میان برد دارد. به چه منظوری این کار انجام می شود؟ این موشک ها در ارتباط با سلاح های کشتار جمعی بسیار خطرناک شمرده می شوند. مهم این است که شما موجودیت اسرائیل را قبول ندارید. نکته بعدی این است که چرا ایران نمی خواهد امریکایی ها وارد مذاکرات شوند؟ اگر آنها وارد شوند هماهنگی برای دستیابی به نتیجه راحت تر خواهد شد.»

زیاده خواهی های طرف اروپایی کماکان ادامه دارد تا به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی و محدود کردن فعالیت های موشکی پیش می رود، همزمان تمامی فعالیت های غنی سازی در حالت تعلیق است و دولت ایران پروتکل الحاقی را پیش از تصویب مجلس اجرایی کرده و در عین حال تاکنون امتیازی هم دریافت نکرده است تا اینکه در انتخابات سال ۸۴ دولت تغییر می کند و رویکردهای سیاست خارجی نیز به تبع متفاوت می شود.

اروپا اما همچنان به فشارهای خود ادامه می دهد و در ۲۸ خرداد ۸۴ بیانیه اجلاس سران اتحادیه اروپا درباره فعالیت های هسته ای ایران صادر می شود. آنها در این بیانیه خواستار توقف کامل غنی سازی می شوند.

اعترافات روحانی از دوسال بدعهدی اروپایی ها

با ورود مستقیم رهبر معظم انقلاب نهایتاً در ۹ مرداد ۸۴ در جلسه شورای عالی امنیت ملی راه اندازی مجدد سایت هسته ای UCF اصفهان تصویب می شود. بلافاصله در ۱۰ مرداد ۸۴ نامه ایران به آژانس مبنی بر از سرگیری فعالیت های UCF اصفهان توسط حسن روحانی دو روز قبل از تنفیذ حکم ریاست جمهوری احمدی نژاد برای مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی محمد البرادعی ارسال می شود.

دکتر حسن روحانی که روزهای پایانی مأموریت خود در سمت دبیری شورای عالی امنیت ملی را می گذارند در این نامه ی تاریخی خطاب به محمد البرادعی دبیر کل سابق سازمان انرژی اتمی گزارشی از روند فراز و فرود پرونده هسته ای ایران ارائه کرده است. روحانی در صفحات ۵۸۰ تا ۵۸۸ کتاب «امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای» می نویسد: «پس از گذشت دو ماهه از اجلاس ژنو و مذاکره با سه وزیر، در حالی که به پایان دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی نزدیک می شدیم، از تیم مذاکره کننده خواستم تا یک نامه مستدل حقوقی برای راه اندازی اصفهان تهیه کنند. اصل تدوین چنین نامه ای از طرف سران نظام تصویب شده بود. نظر اولیه ی تیم مذاکره کننده این بود که نامه پس از دریافت طرح سه کشور اروپایی که قرار بود به زودی ارائه شود، به آژانس تحویل گردد. اما نگرانی از این بود که اروپایی ها بخواهند طرح را در دوره ریاست جمهوری بعدی ارائه دهند؛ چه اینکه نظر مقام معظم رهبری این بود که در دولت هشتم تعلیق شکسته شود و اصفهان راه اندازی شود. بنابراین، نامه در روزهای پایانی دولت آقای خاتمی نوشته شد. قبل از ارسال، نسخه ای از نامه برای سران نظام ارائه گردید و پس از تأیید، در هشتم مرداد ۱۳۸۴ به وزارت امور خارجه ابلاغ شد تا نامه را به آژانس ارسال نماید در تاریخ دهم مرداد (۱ اوت ۲۰۰۵)، نامه راه اندازی اصفهان به آژانس تحویل داد شد به دلیل اهمیت این نامه که در واقع تاریخچه کوتاهی از تلاش های سیاسی و حقوقی ایران در طول یک سال و ده ماه و همچنین زحمات مسئولین سازمان انرژی اتمی و سایر نهادهای ذی ربط است و به وضوح ناتوانی های سیاسی اروپا در طول این مدت را تشریح می نماید، متن این نامه ذیلاً ارائه می شود:

«متأسفانه، در مقابل اگر نگوییم هیچ، ایران مابه ازای بسیار اندکی دریافت کرد و بارها اقدامات اعتمادساز خود را افزایش داد و تنها در عوض آن، با قول های انجام نشده و درخواست های بیشتر روبه رو شد. قول های اکتبر ۲۰۰۳ [مهر ۱۳۸۲] سه کشور اروپایی درباره ی همکاری هسته ای، امنیت منطقه ای و منع گسترش، هنوز حتی بررسی هم نشده اند.

تعهد فوریه ی ۲۰۰۴ [بهمن ۱۳۸۲] سه کشور اروپایی که به عنوان مابه ازای گسترش تعلیق به مونتاژ و تولید قطعات ارائه شده بود و بر مبنای آن سه کشور متعهد شده بود که "تلاش فعالانه به عمل آورند تا تلاش های

ایران در اجلاس ژوئن ۲۰۰۴ [خرداد ۱۳۸۳] شورای حکام شناسایی شده، به شکلی که شورا بعد از آن تنها بر مبنای گزارش مدیرکل، هرگاه و اگر براساس رویه‌ی عادی اجرای قرارداد پادمان و پروتکل الحاقی ضروری دانست، عمل کند" تحقق نیافت تا اینکه ایران در نوامبر ۲۰۰۴ [آذر ۱۳۸۳] موافقت نمود تعلیق داوطلبانه‌ی خود را بیشتر گسترش دهد، به نحوی که تأسیسات تبدیل اورانیوم را که به وضوح توسط دبیرخانه‌ی آژانس به عنوان خارج از شمول هرگونه تعریف از "فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی" تعیین شده بود؛ دربرگیرد.

سه کشور اروپایی/ اتحادیه‌ی اروپا هنوز به تعهد خود در موافقتنامه‌ی نوامبر ۲۰۰۴ [آذر ۱۳۸۳] پاریس مبنی بر شناسایی "اجرای بدون تبعیض حقوق ایران براساس معاهده‌ی منع گسترش مطابق با تعداتش براساس این معاهده" عمل نکرده‌اند.

پس از گذشت بیش از سه ماه مذاکره بعد از موافقتنامه‌ی پاریس، آشکار شد که سه کشور اروپایی/ اتحادیه‌ی اروپا خواهان تطویل مذاکرات و احتمالاً عدم دستیابی به نتیجه مطلوب هستند و بنابراین، نمی‌خواهند در برابر حق غیرقابل انکار ایران برای از سرگیری فعالیت غنی‌سازی تسلیم شوند و انگیزه یا توانایی ارائه‌ی طرح خود درباره‌ی تضمین‌های عینی ماهیت صلح‌آمیز برنامه‌ی هسته‌ای ایران و نیز تضمین‌های محکم درباره‌ی همکاری‌های اقتصادی، فناوری و هسته‌ای و تعهدات محکم درباره‌ی مسائل امنیتی را نیز ندارند.»

درخواست توقف کامل نه تعلیق توسط اروپایی‌ها

به دنبال ارسال نامه‌ی ایران به آژانس، وزاری امور خارجه‌ی سه کشور اروپایی به همراه آقای سولانا طی نامه‌ی ای در ۱۱ مرداد ۱۳۸۴ خطاب به دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی (دکتر روحانی) اظهار کردند که تصمیم به از سرگیری فعالیت‌های تعلیق شده اصفهان، نقض موافقتنامه‌ی پاریس محسوب خواهد شد و سبب قطع مذاکرات خواهد گردید و آنان چاره‌ای نخواهند داشت که اقدامات خود را از طریق برگزاری یک اجلاس اضطراری شورای حکام پیگیری نمایند. آنان، همچنین در نامه‌ی خود اشاره کردند که ایده‌ی خود برای یک ترتیبات درازمدت را تا ۷ اوت ۲۰۰۵ یا زودتر به ایران ارائه خواهند کرد. برخلاف آن چه که درمورد ماهیت تعلیق به عنوان یک اقدام داوطلبانه، موقتی و غیر الزام آور حقوقی در موافقتنامه‌ی پاریس توافق شد، با این نامه‌ی سه وزیر و سولانا مشخص می‌شود که از نظر آنان تعلیق امری موقتی و داوطلبانه نبود.

سه روز بعد در ۱۴ مرداد ۸۴ سه کشور اروپایی بسته‌ی پیشنهادی خود را تحت عنوان "چارچوب یک توافق نامه‌ی دراز مدت بین ایران و سه کشور با حمایت اتحادیه اروپا" به ایران ارائه نمودند. اروپایی‌ها با ارائه‌ی یک سری پیشنهادات غیرهسته‌ای که جنبه اجرایی آنها نیز با ابهام مواجه بود، از ایران خواستند فعالیت‌های چرخه سوخت خود را متوقف سازد. این بدین معنی است که پس از ۹ ماه تعلیق تمامی فعالیت‌ها

توسط ایران، بالاخره اروپایی ها خواسته قلبی خود را برخلاف توافق نامه های قبلی، همان توقف کامل فعالیت های چرخه سوخت هسته ای بود در قالب بسته ۱۴ مرداد به ایران ارائه کردند.

آغاز فعالیت های نطنز با ورود رهبر معظم انقلاب

نهایتاً با ورود رهبر معظم انقلاب این بسته توسط ایران رد شد و فعالیت های UCF اصفهان ۲ روز پیش از تنفيذ رئیس جمهور جدید از سرگرفته شد. رهبر معظم انقلاب بعدها در ۱۳ دی ماه ۸۶ با اشاره به عقب نشینی های مکرر از ورود مستقیم خود برای فک پلمپ سایت UCF اصفهان گفتند: «هی فشار آوردند که باید این را تعطیل کنید، باید آن را تعطیل کنید، باید آن را تعطیل کنید. رسیدند به کارخانه یو. سی. اف اصفهان، گفتند: این را هم باید تعطیل کنید. آن مقدمات اولی است. بنده آن وقت به مسئولین گفتم که اگر این حرف را گوش کردید، فردا خواهند گفت باید معادن اورانیوم را هم که توی این کشور هست، کلاً یکجا جمع کنید بدهید به ما، تا خاطر جمع شویم که شما نمی خواهید بمب اتم بسازید!»

این فرایند عقب نشینی البته برای ما یک فایده ای داشت - بی فایده نبود این عقب نشینی ها - فایده اش این بود که هم خودمان وعده ها و حرفهای رقبای اروپائی و غربی را تجربه کردیم، هم افکار عمومی دنیا تجربه کرد. امروز هر کس به ما میگوید آقا تعلیق موقت بکنید، ما میگوئیم تعلیق موقت را که یک بار کردیم؛ دو سال! دو سال تعلیق موقت کردیم. فایده اش چه شد؟ اول گفتند موقت تعلیق کنید، گفتند داوطلبانه بکنید؛ ما هم به خیال موقت و به خیال داوطلبانه، تعلیق کردیم. بعد هر وقت اسم از برداشتن تعلیق آمد، یک قرشمال بازیای در سطح دنیا درست کردند - در سطح مطبوعات و رسانه ها و محافل سیاسی - وای، داد، ایران میخواهد تعلیق را بشکند! تعلیق شد یک امر مقدس که ایران اصلاً حق ندارد نزدیکش برود! ما این را تجربه کرده ایم؛ دیگر، تجربه ی جدیدی نیست. آخرش هم گفتند: این تعلیق موقت کافی نیست؛ اصلاً باید بکلی بساط اتمی را جمع کنید. همین اروپائیا که میگفتند شش ماه تعلیق کنید، وقتی این کار را کردیم، گفتند بایستی جمع کنید! این فرایند عقب نشینی، این فایده را برای ما داشت؛ هم برای خود ما تجربه شد، هم برای افکار عمومی دنیا تجربه شد. لیکن عقب نشینی بود دیگر؛ عقب نشینی کردند.

من همان وقت هم در جلسه ی مسئولین - که از تلویزیون پخش شد - گفتم اگر چنانچه بخواهند به این روند مطالبه ی پیدرپی ادامه بدهند، بنده خودم وارد میدان میشوم؛ همین کار را هم کردم. بنده گفتم که بایستی این روند عقب نشینی متوقف شود و تبدیل بشود به روند پیشروی، و اولین قدمش هم باید در همان دولتی انجام بگیرد که این عقب نشینی در آن دولت انجام گرفته بود؛ و همین کار هم شد. در زمان دولت قبل، اولین قدم به سمت پیشرفت برداشته شد؛ تصمیم گرفته شد که کارخانه یو. سی. اف اصفهان راه اندازی شود، و راه اندازی هم شد.»